

بسمه تعالی

نکاتی از تفاوت های تدریس و تحقیق اقتصاد، ایران و خارج

حامد قدوسی، دانش جوی دکترا، مدرسه تحصیلات تکمیلی فاینانس وین

مقدمه

تمرکز این نوشته بر روی مقایسه فضای تدریس و تحقیق رشته اقتصاد و حوزه های مرتبط با آن (مثلا اقتصاد مالی/ فاینانس) در ایران و خارج است. البته این یادداشت بر اساس یک تحقیق میدانی گسترده یا مطالعه جامع بر اساس ساختار دروس و ویژگی های پایان نامه های رشته های اقتصاد در ایران نوشته نشده است و صرفا بیان گر تجارب و برداشت های نگارنده از این محیط بر اساس پاره ای اطلاعات جمع آوری شده و گفت و گوهای متعدد با دانش جویان مقطع تحصیلات تکمیلی اقتصاد در ایران تهیه است. طبیعی است که برای تک تک موارد گفته شده موارد استثنای متعدد در هر موسسه آموزشی یافت می شود و مواردی که بیان شده صرفا به وضعیت متوسط در مجموعه ای از دانش کده های اقتصاد کشور اشاره دارد.

خوب است با این مقدمه آغاز کنیم که اگر بخواهیم از طریق الگوبرداری از شیوه تدریس و محتوای دروس و استراتژی تحقیق در دانش گاه های معتبر خارجی دست به مقایسه و اصلاح وضعیت موجود یک رشته در ایران بپردازیم احتمالا رشته اقتصاد گزینه مناسبی برای بررسی تفاوت بین شیوه تدریس علوم اجتماعی در ایران و خارج از کشور (عمدتا دانش گاه های معتبر آمریکای شمالی، انگلیس؛ استرالیا و اروپای غربی) خواهد بود. دو دلیل اصلی باعث برتری این گزینه می شود: اولاً ساختار تدریس رشته اقتصاد در دنیا تا حد زیادی استاندارد شده است و محتوای دروس و منابع درسی در اکثریت دانش گاه های معتبر دنیا تا حد زیادی مشابه است. ثانياً به نظر می رسد تعداد دانش جویان ایران شاغل به تحصیل در این رشته به نسبت سایر رشته های علوم اجتماعی بیش تر باشد (برآورد اولیه نگارنده حاکی از حضور نزدیک به 100 نفر دانش جوی تحصیلات تکمیلی و یا محقق پسا دکترای ایرانی رشته اقتصاد در دانش گاه های معتبر خارجی است که احتمالا به طرز معنی داری بالاتر از تعداد دانش جویان رشته های دیگر خواهد بود). در نتیجه پتانسیل استفاده از نیروهای آموزش دیده در سیستم خارج از کشور در این رشته بالاتر از رشته های دیگر است.

در این یادداشت به توضیح چند تفاوت کلیدی بین فضای علمی، شیوه تدریس و استراتژی تحقیق در مقطع تحصیلات تکمیلی رشته اقتصاد می پردازیم ولی شاید بد نباشد که پیش از پرداختن به اصل تفاوت ها به این سوال هم پاسخ داده شود که ریشه و پیش رانه این تفاوت ها را به چه عواملی می توان نسبت داد. بحث دقیق در مورد این سوال طولانی و خارج از حیطه این مقاله و در عین بحث برانگیز هم خواهد بود لذا سعی می کنیم صرفا به تعداد محدودی از عوامل اصلی اشاره کنیم:

الف) تفاوت در نیازهای بازار کار

سبک تدریس و نقطه تعادل بین تمایلات دانش جویان و اساتید یک رشته تا حد قابل توجهی به این بستگی دارد که مهارت های کسب شده در دانش گاه تا چه حد در دوره بعد از فارغ التحصیلی به کار بیاید. البته این جا رابطه علت و معلولی کاملا دو طرفه است. از یک طرف نیازهای طرف تقاضا در بازار کار مهارت های مورد انتظار را به متخصصان رشته تحمیل می کند و از طرف دیگر مهارت ها و قابلیت هایی که متخصصان در بازار ارائه می کنند در شکل گیری تدریجی تقاضا برای این مهارت ها موثر است. هر چند می توان هر دو سوی این رابطه را به دقت بررسی کرده و به این بحث پرداخت که اولاً ساختار بازار کار در ایران چه تاثیری در سوق دادن دانش کده های اقتصاد کشور به سمت سبک خاصی از تحقیق و تدریس داشته است. ثانياً دانش و قابلیت های دانش آموختگان رشته اقتصاد در طول زمان باعث شده تا انتظارات و نیازهای به نقاضا تبدیل شده کارفرمایان چگونه متحول شود.

ما در این جا صرفا سمت اول رابطه را مد نظر قرار می دهیم.

به کلی می توان بازار کار برای فارغ التحصیلان مقطع تحصیلات تکمیلی رشته اقتصاد را به دو گروه مشاغل تحقیقاتی و مشاغل کاربردی (اصطلاحات از نگارنده است) تقسیم بندی کرد. با توجه به جذابیت مشاغل تحقیقاتی (مثلا مشاغل دانش گاهی یا همکاری با مراکز تحقیقاتی سطح بالا) بسیاری از دانش جویان مقطع تحصیلات تکمیلی اقتصاد در دنیا هدف خود را دست یابی به چنین شغل هایی قرار می دهند. دست یابی به چنین مشاغلی نیز نیازمند عمل کرد قوی در تولید مقاله علمی در رشته اقتصاد است که خود به نوبه خود نیازمند سطح بسیار بالایی از مهارت ریاضی و قابلیت توسعه مدل های نظری است. هم چنین فضای مراکز تحقیقاتی در رشته اقتصاد - همانند هر رشته دیگری - به تحقیقات پایه ای و انتزاعی این رشته اهمیت بسیار زیادی می دهد و لذا فردی که قصد ورود به چنین فضایی را دارد باید خود را آماده ارائه تولیدات محض علمی و رقابت در فضای تولید علم آکادمیک نماید.

نکته بسیار مهمی که در این بین وجود دارد این است که به علت رقابت علمی بسیار بالا در این رشته و ویژگی بسیار خاص رشته اقتصاد (نیاز هم زمان به ارائه صورت مساله جذاب و مدل ریاضی معتبر برای یک تحقیق) انجام فعالیت تحقیقاتی موثر و انتشار مقاله در ژورنال های علمی معتبر در این رشته نیازمند یک فعالیت متمرکز تمام وقت برای محقق است. بر اساس یک محاسبه سرانگشتی می توان گفت که انتشار یک مقاله در یک ژورنال قابل قبول رشته اقتصاد به طور متوسط نیازمند زمانی بین یک تا دو سال کار فشرده برای یک محقق متوسط این رشته است. آن هم محقق که به طور مداوم در کنفرانس های و سخن رانی های علمی رشته خود حضور دارد و مرتبا از مشورت انتقادی شبکه ای از متخصصان دیگر آن رشته برای پیش برد فعالیت علمی خود بهره مند می شود.

حال اگر به وضعیت ایران برگردیم در عمل می بینیم که شرایط این نوع فعالیت "صرفا علمی" چندان مهیا نیست. از یک طرف عمده نیازهای بازار کار و فرصت های شغلی جذاب برای اقتصاددان ایرانی حول پروژه هایی تعریف می شود که در نگاه اول چندان نیازمند تحقیقات پایه ای نیستند و در به ترین حالت با تنظیم یک مدل استاندارد آن حوزه قابل انجام هستند. هم چنین از نگاه محقق رشته اقتصاد هم اولویت های فراوانی برای صرف وقت در داخل کشور وجود دارد (مثلا نگارش کتاب هایی برای ارتقاء دانش عمومی، ارائه سخن رانی برای مدیران و نیز تدریس) که زمان و انگیزه کم تری برای تمرکز بر روی نگارش یک مقاله علمی جدی باقی می گذارد. به طور مختصر اشاره کنیم که البته فقدان جریانی از تحقیقات پایه ای جدی در رشته اقتصاد باعث شده تا درک کلی از ساختار اقتصاد ایران چندان عمیق نباشد (بر خلاف مثلا کشورهای آمریکای لاتین که در طول سال ها مدل های جدی برای بررسی ساختار اقتصاد خود شکل داده اند) و در بسیاری موارد سیاست گذاری های اقتصادی در ایران بر اساس مدل های استنادی صورت می گیرد که فرضیات آن ها تا حدی با واقعیت های اقتصاد ایران متفاوت است.

2) تفاوت در ترکیب نیروی انسانی

ورودی مقطع تحصیلات تکمیلی رشته های اقتصاد در دنیا را معمولا طیف وسیعی از فارغ التحصیلان رشته های دیگر تشکیل می دهند که سهم فارغ التحصیلان رشته های مهندسی و علوم ریاضی و فیزیک در بین آن ها قابل توجه است. از طرف دیگر بخش قابل اعتنایی از اساتید این رشته نیز دارای پیشینه تحصیلی در رشته های مهندسی و علوم هستند (با دقت در پیشینه تحصیلی برندگان جایزه نوبل اقتصاد به خوبی می توان این موضوع را مشاهده کرد) و لذا فضای اجتماعی رشته اقتصاد مهبای استفاده از متدولوژی علوم طبیعی و ابزارهای کمی است. در ایران در مقابل رشته اقتصاد به طور سنتی جزو رشته های گروه علوم انسانی در کنکور دانش گاه ها به شمار می آید که خود علامت مهمی از جهت گیری این رشته را نشان می دهد. ضمن این که اگر یک یا دو دانش کده را مستثنی کنیم اکثریت قریب به اتفاق دانش جویان مقطع تحصیلات تکمیلی رشته اقتصاد در ایران را فارغ التحصیلان کارشناسی اقتصاد شکل می دهند و آن تنوع پیشینه تحصیلی که در خارج مشاهده می شود در این جا بسیار کم تر است.

به دلیل کاربرد گسترده ریاضیات در اقتصاد تعامل بین این دو رشته و دانش کده های مرتبط با آن ها هم به صورت گسترده ای صورت می گیرد و رشته ریاضیات اقتصاد و خصوصا ریاضیات مالی در حال گسترش است. در ایران ارتباط بین دانش کده های ریاضی و اقتصاد ضعیف و غیرسیستماتیک بوده و درصد بسیار کمی از اساتید دانش کده های اقتصاد را فارغ التحصیلان رشته ریاضی تشکیل می دهند.

در ادامه برخی از عمده ترین تفاوت هایی که به نظر می رسند را بیان می کنیم:

1) توجه کم تر به ریاضیات در تدریس اقتصاد

ریاضیات زبان جاافتاده و پذیرفته شده گفت و گوی علمی در رشته اقتصاد است و تقریبا هیچ تحقیق معتبری در علم اقتصاد را نمی توان یافت مگر این که به این زبان بیان شده باشد. علاوه بر آن روش های ریاضی به طور گسترده ای در تحلیل رفتار سیستم های اقتصادی و داده های مرتبط با آن به کار می رود و با توجه به پیچیدگی سیستم هایی که اقتصاددانان با آن سر و کار دارند روز به روز بر قابلیت های ابزارهای ریاضی در این حوزه افزوده می شود به گونه ای که برخی دو رشته فیزیک و اقتصاد را دو مصرف کننده بزرگ ریاضیات در دنیای امروز می دانند. با توجه به این که سطح ریاضیاتی که در برنامه های دوره لیسانس اقتصاد در اکثر کشورهای دنیا تدریس می شود چندان بالا نیست معمولا بخش مهمی از برنامه های تحصیلات تکمیلی اقتصاد در دنیا به تدریس مفاهیم پایه ریاضی در هر دو بعد ریاضیات محض و ریاضیات کاربرد اختصاص می یابد. در ایران سهم این آموزش ها در دوره تحصیلات تکمیلی اقتصاد کم رنگ تر است و عمده ریاضیاتی که تدریس می شود حول مباحث محاسباتی و کاربردی (مثل بهینه سازی) است. ضعف دانش عمومی دانش کده های اقتصاد ایران در زمینه مباحثی مثل آنالیز حقیقی و تابعی، توپولوژی، بهینه سازی دینامیکی و حساب دیفرانسیل تصادفی باعث می شود تا مثلا مطالعه منابع دست اول (کتاب و مقالات) در حوزه ای مثل تعادل عمومی یا اقتصاد مالی برای متوسط دانش جویان ایرانی مشکل باشد و به همین دلیل هم تحقیقات مرتبط با این نوع حوزه ها بسیار اندک است.

2) سطح جزئی نگری در تحقیق

یک تحقیق معمول و قابل قبول در رشته اقتصاد در دنیا معمولا با مشاهده یک پدیده بسیار مشخص در دنیای بیرون شروع شده و سپس محقق سعی می کند تا با ارائه یک الگوی اقتصادی (مشخص کردن عوامل درگیر در مساله و متغیرهای تحت کنترل آن ها و مساله بهینه سازی که هر عامل حل می کند و نهایتا ویژگی های تعادل به دست آمده) توضیح جدیدی برای پدیده مشاهده شده بر مبنای چارچوب انتخاب عقلانی ارائه کند. اکثر محققین برای انتخاب موضوعی که سعی می کنند در مقاله شان توضیح دهند به ادبیات قبلی رجوع کرده و با یافتن خلاء های ادبیات قبلی در توضیح یک پدیده تحت فروض متفاوت و یا بر اساس توضیح متفاوت کار خود را آغاز می کنند.

در بررسی تحقیقات اقتصاد در ایران نکته مهمی که به چشم می خورد این است که عنوان تحقیقات معمولا بسیار کلان و حول و حوش مسایل ملی است. تحقیقات انتزاعی برای حل یک مساله تحت فروض مشخص اندک است و در بین تحقیقات - گاهی حتی در مقطع دکترا - تعداد قابل توجهی تحقیق صرفا روی محاسبه امکان سنجی یک فعالیت اقتصادی و یا بررسی کلی از عوامل تاثیرگذار بر یک موضوع یا حتی در باب بررسی ادبیات یک موضوع نوشته می شود.

نکته دیگری هم که باید به مشاهده فوق افزود علاقه شدید محققین ایرانی به برجسته کردن "ابزار تحقیق" به جای تمرکز بر "مساله تحقیق" است. خود من بارهای بار با سوالاتی از طرف دانش جویان مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد در ایران مواجه شده ام که علاقه مند بوده اند تا پایان نامه خود را بر اساس کاربرد "نظریه بازی" یا "منطق فازی" یا "روش گشتاورهای تعمیم یافته" در هر موضوعی تهیه کنند. در واقع به نظر می رسد که استفاده از یک ابزار جدید خود به خود برای محقق مزیت ایجاد می کند و در مقابل باعث کم رنگ شدن این سوال می شود

که صورت مساله ای که بررسی می شود تا چه حد اهمیت دارد و آیا ابزار به کارگرفته شده اساسا درک ما را از آن مساله بهبود می دهد یا نه.

3) ضعف در تدریس گرایش های اقتصاد خرد

مدل های اقتصاد خرد هم اکنون پایه کار در تمامی گرایش های علم اقتصاد (از جمله اقتصاد کلان) هستند. دانش جویان اقتصاد از طریق آشنا شدن با تئوری ها و مدل سازی های موجود در حوزه های مختلف اقتصاد خرد توانایی ساخت مدل نظری برای توضیح پدیده های اقتصادی در چارچوب علم اقتصاد را به دست می آورند. نکته مهم این است که مستقل از گرایش تخصصی دانش جو (اقتصاد خرد کاربردی، اقتصاد کلان، اقتصاد توسعه و اقتصاد مالی) مفاهیم متنوع اقتصاد خرد به نوعی ابزار پایه ای برای همه گرایش ها به حساب می آید. در مقابل بسیاری از دروس و سرفصل های مرتبط با اقتصاد خرد در ایران هرگز تدریس نشده اند و یا تدریس آن ها به طور گسترده وارد برنامه درسی رشته اقتصاد نشده است. از جمله این حوزه ها می توان به نظریه بازی ها (خصوصا مباحث پیش رفته آن)، طراحی مکانیسم ها و قراردادهای، قیمت گذاری دارایی ها، انتخاب اجتماعی، سازماندهی صنعتی و نظریه تصمیم اشاره نمود.

عدم توجه به مباحث جدید اقتصاد خرد (خصوصا سلسله مباحث مبتنی و منبعت شده از نظریه بازی ها) باعث می شود تا محققین ایرانی در مواردی تسلط و مهارت کافی برای توسعه یک مدل جدید اقتصادی و توضیح رفتار عامل ها و تعادل های موجود در آن را نداشته باشند و این یکی از دلایلی است که نهایتا تحقیقات اقتصاد در ایران را به سمت تکرار الگوهای استاندارد سوق می دهد.

4) تعامل با جامعه علمی جهانی

یک ویژگی بارز اکثریت دانش کده های اقتصاد کشور تعامل کم دانش جویان آنان با محققین خارجی این رشته ها و حجم اندک تولید علم در ژورنال های بین المللی این رشته است. بر خلاف رشته های مهندسی، علوم و پزشکی که تماس جامعه علمی داخل و خارج از کشور نسبتا قوی است در رشته اقتصاد چنین ارتباطی بسیار نادرتر است. به عنوان مثال در رشته های مهندسی کنفرانس های بین المللی متعددی در داخل کشور برگزار می شود که مقالات متعدد خارجی نیز در آن ارائه می شود. هم چنین میزان انتشار مقاله در ژورنال های خارجی و حضور در فرصت های مطالعاتی خارجی برای اساتید و دانش جویان دکترای این رشته ها به طرز معنی داری بالاتر از رشته اقتصاد است. کافی است یک نفر مرور سریعی بر رزومه اساتید اقتصاد در بسیاری دانش کده های اقتصاد کشور داشته باشد تا ببیند که بسیاری از اساتید محترم شاید در طول ده سال گذشته هیچ مقاله ای در یک ژورنال خارجی منتشر نکرده و در هیچ کنفرانس بین المللی "معتبری" هم مقاله ای ارائه نداده اند.

عدم ارتباط با جامعه جهانی - به دلایل مختلف - چند تاثیر مشخص روی فضای تحقیق در داخل دارد. اول این که بهره وری موسسات و محققین در انجام تحقیقات پایه ای و محض نیازمند سطح بالایی از تعامل با جامعه علمی است در غیر این صورت محقق دچار مساله عدم انگیزه و نیز بی خبری از فعالیت های دیگر محققین شده و تمایل به ادامه تحقیقات در وی کاهش می یابد.

علاوه بر آن متأسفانه گسست از جامعه جهانی در بسیاری از حوزه های علوم اجتماعی در کشور و به طور مشخص در حوزه علم اقتصاد در موارد اندکی باعث ایجاد توهم برای دانش جویان و محققین داخلی این رشته هم می شود. به گونه ای که در ذهن خود بسیاری از مفاهیم پایه ای و عمیق این رشته را به صورت بسیار گذرا و ضعیف نقد کرده و یا طرح های تحقیق ساختار شکنانه ای را پیش نهاد می کنند که در تصور آن ها باعث تحول در علم اقتصاد می شود بدون آن که این فرصت را داشته باشند تا ببینند که آیا دیگران محققین در سطح جهانی قبل از آن ها به چنین چیزهایی اندیشیده و آن را با دقت بررسی کرده و می کنند.

5) پر رنگ بودن تحقیقات تجربی و توجه زیاد به حوزه اقتصادسنجی کاربردی

اگر طیف تحقیقات علم اقتصاد را روی نموداری مثل شکل زیر نمایش دهیم مشاهده می‌کنیم که توزیع فعالیت‌ها و تلاش‌ها در دانش‌کده‌های اقتصاد کشور یک نواخت نیست. به طور مشخص دو خانه سمت چپ جدول توجه بسیار اندکی را به خود جلب می‌کند و عمده تلاش‌ها در خانه‌های سوم و چهارم (اقتصاد کلان، اقتصادهای بخشی و اقتصادسنجی کاربردی) متمرکز است. موارد اندکی از تحقیقات نیز به اقتصادسنجی نظری اختصاص می‌یابد.

اقتصادسنجی نظری	اقتصادسنجی کاربردی	اقتصاد کلان و اقتصادهای بخشی کاربردی	اقتصاد کلان نظری	تئوری اقتصاد (عمدتاً اقتصاد خرد)
-----------------	--------------------	--------------------------------------	------------------	----------------------------------

برای ملموس شدن موضوع خوب است نگاهی به یک بررسی آماری بیندازیم.

نگارنده مجموعه‌ای از مقالات منتشر شده در حدود 30 شماره از "فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران" وابسته به دانشکده اقتصاد دانش‌گاه علامه را که جزو مجلات معتبر اقتصاد ایران و دارای ارزش دانش‌گاهی است را بررسی نموده است. نتیجه حاصل از این بررسی در جدول زیر منعکس شده است:

جدول یک: توزیع مقالات بین حوزه‌های مختلف

نوع تحقیق	مرور ادبیات و ترویجی	اقتصادسنجی کاربردی	اقتصاد کلان و مسایل کاربردی	اقتصاد خرد و مقالات نظری
	20%	24%	45%	1% <

بررسی نزدیک به 150 مقاله در 30 شماره این مجله نشان داد که فقط یک مقاله نظری در آن به چاپ رسیده است (مقاله‌ای از دکتر احمدیان در مورد رفتار بنگاه در شرایط عدم اطمینان). حال آن‌که اگر چنین جدولی برای مجله‌ای که تحقیقات سطح کشوری اقتصاد در یک کشور توسعه یافته را منتشر می‌کند و یا یکی از ژورنال‌های معتبر بین‌المللی تهیه شود اول سهم مقالات مربوط به مرور ادبیات و ترویج بسیار کم‌تر رنگ بوده و ثانیاً مقالات نظری وزن بالایی را به خود اختصاص خواهد داد. البته نکته امیدوارکننده این بود که هر قدر از شماره اول مجله به سمت شماره 30 حرکت می‌کنیم از سهم مقالات ترویجی کاسته شده و سهم مقالات معطوف به مباحث نظری بیش‌تر می‌شود که نویدبخش تغییر در جهت‌گیری تحقیقات اقتصادی در کشور است.

در غیاب تحقیقات نظری و انتزاعی گروه بسیار بزرگی از تحقیقات در ایران سعی می‌کنند تا مدل‌های نسبتاً استاندارد در اقتصاد کلان و اقتصادهای بخشی را بر اساس داده‌های ایران تخمین زده و رابطه بین چند متغیر (عمدتاً متغیرهای کلان) را به صورت آماری بررسی نمایند. چنین روی‌کردی منجر به این می‌شود که ده‌ها تحقیق مختلف با عناوین بسیار مشابه به چشم بخورد که همگی سعی در تخمین تابع تقاضای پول یا تأثیر یارانه انرژی بر رشد اقتصادی ایران و موارد مشابه آن دارند.

می‌توان به فهرست فوق موارد دیگری از تفاوت‌ها مثل پررنگ بودن مباحث فلسفی و تاریخی در دانش‌کده‌های اقتصاد ایران به نسبت سهم فعلی چنین مباحثی در ادبیات اقتصاد دنیا و در مواردی تفاوت پارادایم حاکم بر تدریس اقتصاد کلان در برخی دانش‌کده‌ها با پارادایم جهانی را هم به موارد فوق افزود که خارج از مجال این نوشته است.